



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۲۷ دی ۱۴۰۰

موضوع جزئی: مسئله ۲۹ - تنمّه: بررسی فقهی آواز زنان - مقدمه - تنقیح موضوع بحث

مصادف با: ۱۴ جمادی الثانی ۱۴۴۳

سال چهارم

جلسه: ۶۶

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

در ادامه مسأله ۲۹ به عنوان تنمّه این بحث، رسیدیم به موضوع آوازخوانی یا خوانندگی زنان. مروری بر نظرات مراجع و بزرگان در برخی از مسائلی که مرتبط با این موضوع است داشتیم و به دنبال آن، جهاتی را که مؤثر در تعدد صور خوانندگی زنان است را ذکر کردیم. هفت جهت به عنوان جهاتی که ثبوتاً می‌تواند صور و اقسام گوناگونی را برای آوازخوانی زنان پدید بیاورد ذکر شد. آنچه اکنون مهم است، تنقیح موضوع بحث در این مقام است. ملاحظه فرمودید که آن هفت جهت، اقسام و صور گوناگونی را برای آوازخوانی زنان ایجاد می‌کند.

مقدمه

لکن آنچه اینجا محل بحث ماست به مناسبت موضوع مسأله ۲۹، بررسی حکم آواز و خوانندگی زنان تنها از جنبه زن بودن است. چون اینجا گاهی ممکن است این آوازخواندن همراه با آلات موسیقی باشد و گاهی بدون اینها. اگر مثلاً این آوازخواندن مقارن با آلات موسیقی باشد و کسی استفاده از آلات موسیقی را حرام بداند، این به عنوان یک امری که مقارن با حرام بخواهد مورد بررسی قرار گیرد، فعلاً از بحث ما خارج است. یا مثلاً اگر مسأله اختلاط مردان و زنان که خودش یک امری است که می‌تواند موضوع حرمت باشد به شرط اینکه از حدود شرعی خارج شده باشد، این اگر بخواهد در مسأله آواز و خوانندگی زن مورد نظر باشد، این یک عنوان دیگری پیدا می‌کند. همچنین مسأله غنا که مهم‌ترین جهات است. یکی از جهاتی که در آواز زن و خوانندگی زن جهت مهم و محوری است، این است که این آواز غنائی باشد یا غیرغنائی؛ و البته اینکه قرآن و مرثیه باشد یا غیر آن، یا مضامین آن لهوی باشید یا غیر آن، این را متعرض خواهیم شد. اما مسأله غنا یک موضوع مستقلی برای بررسی است؛ یعنی ما اینجا نمی‌خواهیم آواز غنائی زن بحث کنیم که حرمت از آن ناحیه غنا باشد. چون در باب غنا واقعاً مسأله و موضوع کاملاً محل اختلاف است. اختلافات بسیار زیادی در باب مفهوم غنا وجود دارد. در کتاب‌های لغت انظار و آراء مختلفی نقل شده، آن را به هر آواز دارای ترجیع معنا کرده‌اند، هر آواز ترجیع‌دار یا به تعبیر دیگر تحریردار، تا آوازی که مشتمل بر مضمون باطل باشد؛ یا مثلاً آوازی که طرب‌آور باشد، یا آوازی که موجب خفت در عقل شود؛ انواع و اقسام تعریفاتی که برای غنا شده است. این یک موضوع است که راجع به آن اختلاف است. این خودش یک بحث مفصلی را می‌طلبد.

سراغ ادله که می‌رویم، در ادله هم یک وقت با قطع نظر از این معنای عرفی می‌خواهیم ادله را بررسی کنیم و یک وقت با ملاحظه آن؛ خود این هم یک مسأله مهمی است. یک مسأله محوری و بسیار مهم است که حکم غنا را با ملاحظه این

اختلافاتی که در تعریف غنا وجود دارد بخواهیم بررسی کنیم، این خودش یک مشکله‌ای است. یک وقت می‌رویم سراغ حکم آواز غنائی با توجه به آنچه که در روایات وارد شده که این یک نکته مهمی است که ادله غنا که در اینجا مورد بررسی قرار می‌گیرد، می‌بینیم مضامین باطل و صدق عنوان لهو و لهویات یا قول زور بر آن خیلی مهم است. ادله باید بررسی شود که واقعاً اگر غنا حرام شده، آیا مطلقاً حرام شده یا نه. آیا این اختلافی که در لغت و عرف در مفهوم غنا وجود دارد، اگر بخواهیم این ادله را بگوییم ناظر به مفهوم لغوی و عرفی غنا است، این همه اختلاف در معنا و مفهوم غنا وجود دارد، کدام را معیار قرار دهیم؟ لذا این یک مقدار کار را مشکل می‌کند. باید ادله را بررسی کنیم؛ بالاخره ادله بر چه امری تأکید دارد. آن ادله‌ای که نهی و منع کرده و کسب به آن را جایز ندانسته و گرفتن اجرت را جایز ندانسته، بیشتر بر چه محور و مداری استوار شده است؟ این خیلی مهم است. ادله بعضاً روی مسأله لهو بودن، روی مسأله خفت عقل، روی مسأله باطل بودن، گاهی حتی روی مقارنات تأکید کرده است؛ یعنی مقارناتی که همراه با غنا ذکر شده، مجموع این ادله را که انسان نگاه می‌کند می‌بیند مسأله غنا اینطور نیست که ما مطلقاً بگوییم غنا، آن هم با آن معنای بسیار عام، هر آواز ترجیع‌دار، حرام باشد. این به جهات مختلف واقعاً جای تأمل دارد. البته من فقط یک اشاره می‌کنم. بعد می‌خواهم اینجا یک نتیجه بگیرم.

اگر قرار باشد هر آواز ترجیع‌داری محل اشکال باشد، این قطعاً با توصیه‌هایی که برای خواندن قرآن به صوت حسن، اذان و اقامه گفتن‌ها و تعریف و تمجیدهایی که از آواها و صداهای خوش داشته‌اند، سازگار نیست. اینکه توصیه شده قرآن را به صوت حسن بخوانید، صوت حسن و صوت نیکو بالاخره در آن ترجیح و تحدید وجود دارد. اگر قرار باشد به نحو بسیار عام و گسترده که هر آواز ترجیع‌دار را فارغ از اینکه مثلاً مطرب باشد، لهوی باشد، حکم به حرمت آن کنیم، این با برخی دیگر از روایات و آنچه که در ادله وارد شده، سازگار نیست. اصلاً یک جاهایی توصیه شده به اینکه مثلاً قرآن یا اذان با صداهای خوب خوانده شود و گفته شود. در مورد مؤذن روایت داریم که مثلاً صدای او چگونه باشد. حتی روایاتی داریم که «تغنوا بالقرآن» یعنی این را هم داریم که به قرآن تغنی کنید. یا مثلاً در روایت داریم که امام سجاده (ع) یا امام باقر (ع) وقتی قرآن می‌خواندند آنچنان با آواز خوش قرآن می‌خواندند که کسانی که در کوچه رفت‌وآمد می‌کردند متوقف می‌شدند و می‌ایستادند که این صوت را گوش بدهند.

سؤال:

استاد: آواز خوش فقط یک خواندن معمولی نبوده است؛ مرحوم آقای مطهری می‌گوید سعدی یک حکایتی نقل می‌کند که روزی یک یهودی هدیه‌ای آورد برای مؤذن؛ بعد پرسید که برای چه این هدیه را آورده‌ای؟ ظاهراً این مؤذن بدآواز بوده؛ جواب می‌دهد: علتش این است که من پسری داشتم که او تمایل به اسلام پیدا کرده بود، اما به واسطه شنیدن صدای اذان تو از اسلام دور شده است. یا می‌گوید یک نفر اهل فریمان داشتیم که می‌گفت روضه ملا احمد فریمانی مهر امام حسین را از دل بیرون می‌کند. اینقدر این آدم بد صدا بوده است.

بالاخره صدای خوش چیزی است که فی‌الجمله با قطع نظر از آن قیود و خصوصیات که باید در جای خودش بررسی شود، مطابق با طبع و فطرت انسان و عالم تکوین است؛ اصلاً این عالم پر است از صداها و آواز خوش. صدای پرندگان، صداهای زیبایی که در این عالم وجود دارد، مثل آبشارها؛ ما نمی‌توانیم این تطابقی که بین فطرت انسانی و عالم تکوین وجود دارد را

نادیده بگیریم. لذا هم عقل سلیم و هم فطرت و هم ادله، اینها اقتضا می‌کند که صدا و آواز خوش به طور کلی نفی نشود و این هم که بخواهیم بگوییم صرف لذت از یک آواز خوش اشکال دارد، این هم جای تأمل دارد. مهم تفکیک این جهات از هم است؛ به قول شهید مطهری که می‌گوید وقتی از بعضی سؤال می‌شود که فلسفه حرمت غنا چیست، می‌گویند برای اینکه غنا موجب لذت می‌شود؛ یعنی لذت‌بخش بودن باعث حرمت غنا شده است، چون هر لذتی حرام است؛ یعنی انسان مؤمن اصلاً نباید لذت ببرد. این قطعاً به نحو مطلق قابل پذیرش نیست. اصل لذت اشکالی ندارد؛ انسان این همه از امور و مسائلی که پیرامون او می‌گذرد لذت می‌برد؛ از غذای خوب لذت می‌برد، از دیدن یک منظره خوب لذت می‌برد؛ آن لذتی که ممنوع است و آن التذادی که در بسیاری از احکام هم مطرح شده، التذاذ شهوانی است. یعنی التذادی که باعث شود سمت و سوی فکر و ذهن و خیال انسان عوض شود. من عرض کردم که اینجا اساساً نمی‌خواهم وارد بحث غنا شوم؛ می‌خواهم عرض کنم که مسأله غنا خودش بحث دارد. آواز و صدای خوش می‌تواند حتی موجب التذاذ مثبت شود، التذاذ مباح و مشروع شود، پس معلوم می‌شود که صداها و آواها یا موسیقی‌ها به معنای عام، اینها یک چیزی است که تأثیراتی در انسان دارد؛ تأثیرات مهمی در روح بشر دارد. به بیان شهید مطهری، موسیقی در روح بشر اثر عمیق دارد و احساسات خفته انسان را بیدار می‌کند یا افکار فراموش شده‌ای را قوت می‌بخشد و گاهی بدست فراموشی می‌سپارد. موسیقی منظور فقط این معنای متداول و متعارف نیست که در ذهن ماست؛ طبل و شیپوری که در زمان جنگ می‌نوازند، آن هم یک موسیقی است. اصوات و صداهایی که در میدان‌های جنگ از گذشته برای تهییج سربازان و تقویت روحیه آنها استفاده می‌کردند، آن هم یک موسیقی است. مگر معنای موسیقی چیست؟ همه اینها موسیقی است.

لذا موسیقی فارغ از نوعش به عنوان یک عامل محرک احساسات بشر شناخته می‌شود. منتهی به قول ایشان عامل محرک احساسات یا عامل خمودی احساس. ممکن است صدا و آواز یا موسیقی یک احساسی را تقویت کند یا یک احساسی را تضعیف کند و به فراموشی بسپارد. در میان امور محسوس هیچ محسوسی به اندازه این امر با فکر و روح و احساسات و عواطف انسان سر و کار ندارد. خیلی از امور هستند که احساسات انسان را تحریک می‌کند؛ مثلاً دیدن یک چهره زیبا از یک بانو، ممکن است شهوت جنسی را تحریک کند. یا مثلاً دیدن یک غذای لذیذ و خوشمزه، این شهوت خوردن را در انسان تقویت می‌کند. بالاخره اینها احساسات انسان است؛ یعنی قوا و نیروهای انسان است که تحریک می‌شود. دیدن یک منظره، استشمام یک بو، دیدن یک غذای لذیذ و خوشمزه، اینها باعث تحریک قوای انسان می‌شود. اما در میان محسوسات به تعبیر شهید مطهری آنچه که عواطف و احساسات انسان را تقویت می‌کند بیش از همه، صداها و آواها و موسیقی‌ها است. بلکه بالاتر، نه فقط عواطف و احساسات بلکه افکار و خیالات و معقولات را در انسان دچار فراز و نشیب می‌کند. این یک عامل انتقال است؛ این انتقال می‌تواند انتقال به یک حس مثبت، عاطفه یا فکر مثبت باشد یا می‌تواند منتقل کننده به یک فکر و خیال منفی باشد.

به‌رحال اجمالاً آواز و صدا بسیار مؤثر است و این را کسانی که در میدان جنگ حضور داشته‌اند بیشتر شاید درک کنند. در همین جنگ ایران و عراق بالاخره برای کسانی که در میدان‌های جنگ بودند و آنجا را از نزدیک دیده‌اند، خود ما هم بالاخره آنجا بودیم و دیدیم. صداها و آواها و مارش‌های نظامی بسیار برای تقویت روحیه رزمندگان مؤثر است. صدای یک قرآن

زیبا یا مداحی زیبا یا توسل زیبا یا حتی مارش‌های نظامی که از مجموعه‌ای از آلات و ابزار بیرون می‌آید و تولید می‌شود بسیار اثرگذار است. در همه جا بلندگوهایی داشتند که دائماً اینها را در چه مقره‌هایی که رزمندگان استقرار داشتند، پشت جبهه، یا در خطوط مقدم جبهه این مورد استفاده قرار می‌گرفت. آنها هم همین طور؛ حالا آنها به یک شکل دیگر؛ در همه جا همین طور است. در اینکه اینها تأثیرگذار است و احساسات و عواطف را در انسان تقویت می‌کند هیچ بحثی نیست.

منتهی این هم قابل انکار نیست که نوع اینها از حیث اثرگذاری متفاوت است. این مسأله خیلی مهمی است که بعضی از این آوازاها و موسیقی‌ها را به طور طبیعی انسان خودش می‌تواند در درون خودش تجربه کند و بالوجدان این را ارزیابی کند که اینها واقعاً کدام یک از احساسات متعدد و قوای مختلف انسان را تحریک می‌کند؛ ذهن انسان را به کدام سمت و سو بیشتر می‌برد. ممکن است یک آواز یا موسیقی یا غنا به انسان حالت خفت عقل بدهد؛ عقل انسان را در پایین‌ترین موقعیت و وضعیت قرار دهد و خدای نکرده شهوت او را تقویت کند. یک وقت ممکن است آن حس حیوانیت، یعنی اتصال به اکل و بطن و فرج را در انسان تقویت کند. اما ممکن است یک آواز یا یک صدا حالات روحی و معنوی را در انسان تقویت کند.

بالاخره انسان از آنجا که دارای احساسات و قوای مختلف است، عواملی که این احساسات را تحریک می‌کند و آن غذاهای روحی که باعث رشد بعضی از انواع این احساسات می‌شود، می‌تواند متفاوت باشد. شما خودتان می‌بینید وقتی مثلاً در یک فضای معنوی و در مجلس روضه و ذکر توسل و در حرم یکی از ائمه (ع) یا در مسجد الحرام یا مسجد النبی قرار می‌گیرید، مقایسه کنید با اینکه مثلاً در یک فضای دیگری و در یک مجلس دیگری که خدای نکرده که در آن گناه صورت می‌گیرد یا مثلاً بیشتر به مشتهیات دنیایی توجه می‌شود، آیا حالات انسان یکی است؟ قطعاً اینطور نیست. تأثیر صداها هم نوع صداها و آوازاها و هم محتوا و مضمون، مضمونی که یک شعر عرفانی دارد، مضمونی که یک آیه قرآن دارد چه حسی در انسان ایجاد می‌کند، با مضمونی که مثلاً یک شعر باطل و مضمون باطل و لهوی در انسان ایجاد می‌کند، اینها اصلاً باهم قابل مقایسه نیست. امروز بیشتر تأکید روی مطالب شهید مطهری بود، خدا رحمت کند این شهید بزرگوار را؛ واقعاً به عنوان یک عالم دینی و محیط به جوانب مختلف با یک ذهن روشن و جامع مسائل را تجزیه و تحلیل می‌کرد؛ ایشان یک تعبیری دارد که می‌گوید اگر کسی که به امنیت و عدالت در کشورش علاقه‌مند است اجازه طغیان به عناصر جنایتکار و ناراحت بدهد که علیه حکومت طغیان کنند، برای دین هم جایز است که رقص و شراب و غنا و این چیزهایی که موجب طغیان درونی انسان علیه آن فطرتش می‌شود، اجازه بدهد. لذا می‌گوید اگر خدا یک اموری را منع کرده، اگر دین یک سری امور را منع کرده که مثلاً شراب نخورید؛ یا مثلاً فرض کنید که غنا به معنای اینکه آوازی که مشتمل بر مضامین لهوی و باطل باشد گوش ندهید، این برای چیست؟ برای این است که نمی‌خواهد در مملکت وجود انسان، آن قوا و نیروهای سرکش و طغیان‌گر علیه هویت انسانی او طغیان کنند؛ همانطور که هیچ کسی اجازه نمی‌دهد در حکومت یک عده‌ای طغیان‌گر و جانی بخواهند علیه حکومت طغیان کنند.

تنقیح موضوع بحث

علت اینکه این مقدمه را عرض کردم، اینکه مسأله غنا و آواز ابعاد مختلف دارد. اینکه آیا فی نفسه غنا حرام است یا نه، آیا حرمت ذاتی دارد یا حرمت ذاتی ندارد؛ آیا ما غناء حلال هم داریم یا نه. ملاک حرمت غنا چیست؟ مشهور برای غنا حرمت ذاتی قائل هستند صرف نظر از ادله و قلمرو و محدوده آن، چون در اینها اختلاف است. اما یک عده‌ای که قابل توجه هم

هستند، حرمت ذاتی برای غنا قائل نیستند. حرمت را برای غنا ثابت می‌دانند به اعتبار مقارنات محرم آن، مثل مرحوم فیض کاشانی، محقق سبزواری؛ اینها حرمت غنا را به اعتبار مقارناتش می‌دانند؛ یعنی می‌گویند اگر این مقارنات نباشد، غنا فی نفسه حرام نیست. صرف نظر از این اختلاف که عرض کردم این باید در جای خودش مفصل بررسی شود، اگر می‌خواهیم بحث کنیم از آواز زنان، می‌خواهیم ببینیم آیا صرف زن بودن مانع مشروعیت خوانندگی است یا نه؛ یعنی چون زن است خوانندگی او ممنوع است؟ این مدنظر است. آیا بین خوانندگی زن و مرد فرق است؟ چون ممکن است در خوانندگی مرد هم یک سری قیودی داشته باشیم که داریم. مثلاً در مورد مرد هم بگویند نباید غنا باشد، مضامین لهوی نداشته باشد، مقارن با حرام نباشد، باعث اختلاط زن و مرد نشود. آیا صرف نظر از آن قیودی که برای خوانندگی مرد هم ثابت است، حالا اینکه چیست ما کاری نداریم، صرف نظر از آنها آیا صرف زن بودن یا جنسیت، جنس زن بودن مانع تجویز خوانندگی و آواز برای زن است یا نه، ما می‌خواهیم این را بررسی کنیم. پس مسأله اصلی ما این است؛ ما الان کاری به آن امور نداریم. چون ممکن است خیلی از امور در اینجا مطرح شود در مورد غنا و اختلاط با مردان و مقارنات محرم و همراهی با آلات موسیقی؛ اینها هر کدام بحث‌های جداگانه‌ای دارد. ما فقط درباره این موضوع می‌خواهیم بحث کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»